

Examining Predictors of Sexual Victimization from the Perspective of an Integrated Model

 **Tahmineh Shahpouri**

Ph.D. Graduate in Criminal Law and Criminology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).
(Corresponding Author)
tahminehshahpuri@yahoo.com

 **Tahmoorees Bashirieh**

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
tahmoorees_b@yahoo.com

Abstract

Sexual victimization is one of the most significant and damaging forms of victimization, involving a variety of physical, psychological, cognitive, emotional, and financial injuries. These harms are not confined to the personal sphere of the victim's life but also affect their social relationships and interactions. The impact of these individual injuries often leads to difficulties in establishing new relationships or maintaining existing ones. Moreover, the indirect consequences of the initial trauma can result in reduced productivity and may ultimately produce a cycle in which the victim becomes an offender. The breadth of these injuries and their long-term, multifaceted effects highlight the necessity of analyzing and understanding the predictors of sexual victimization through an integrated approach - one that considers individual characteristics,

relationship dynamics, contextual factors, and social influences collectively. The present study employs a descriptive-analytical method and utilizes library research tools to address the question : What integrated pathways assist in analyzing this phenomenon, and based on what criteria can the occurrence of this victimization be predicted and ultimately prevented? The findings indicate that integrated multifactorial biological-psychological and ecological pathways, life-course development theories, and combined psychological-criminological explanations demonstrate that understanding the complexity of sexual victimization requires incorporating the aforementioned factors at multiple levels. Identifying integrated, multilevel, and multifactorial predictors using broader ecological approaches is essential for developing effective prevention strategies.

Keywords: Delinquency, Sexual Delinquency, Integrated Criminology, Predictions of Delinquency, Prevention.



بررسی پیش‌بینی‌های بزه‌دیدگی جنسی از منظر مدل تلفیقی

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،
ایران (نویسنده مسئول)

tahminehshahpuri@yahoo.com

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی،
تهران، ایران

Tahmoores_b@yahoo.com

تهمینه شاهپوری



تهمورث بشیریه



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

بزه‌شناسی حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۳ | بهار و تابستان ۱۴۰۴

(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jclc.2025.2047336.1128

چکیده

بزه‌دیدگی جنسی یکی از مهم‌ترین و پراسیب‌ترین انواع بزه‌دیدگی است. این آسیب‌ها شامل انواعی از آسیب‌های جسمانی، روانی، شناختی، احساسی و مالی است که منحصر به بعد فردی زندگی بزه‌دیده نبوده و زندگی اجتماعی او را نیز متأثر می‌سازد. تأثیر آسیب‌های فردی عموماً منجر به ایجاد مشکل در برقراری روابط جدید بزه‌دیده یا حفظ روابط موجود او می‌شود. فراتر از آن، نقش نتایج غیرمستقیم آسیب‌های اولیه است که منجر به کاهش بهره‌وری و در نهایت تولید چرخه‌ای می‌شود که در آن ممکن است بزه‌دیده به بزه‌کار بدل شود. گستردگی این آسیب‌ها و آثار بلندمدت و چندوجهی آن، ضرورت تحلیل و درک پیش‌بینی‌کننده‌های این بزه‌دیدگی را با رویکردی تلفیقی نشان می‌دهد؛ رویکردی که ویژگی‌های فردی، پویایی‌های رابطه، زمینه‌ها و تأثیرات اجتماعی آن را در ترکیب با هم در نظر بگیرد. پژوهش حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که چه مسیرهای تلفیقی‌ای به تحلیل این

پدیده کمک می کند و بر اساس چه معیارهایی می توان وقوع این بزه دیدگی را پیش بینی و در نهایت از آن پیشگیری کرد؟ در پاسخ، مسیرهای تلفیقی چندعاملی بیولوژیکی-روانشناختی و اکولوژیکی، رشد جریان زندگی و تبیین تلفیقی روانشناختی - جرمشناختی نشان داد که درک پیچیدگی بزه دیدگی جنسی نیازمند ترکیب عوامل پیش گفته در سطوح مختلف است. همچنین، شناسایی پیش بینی کننده های تلفیقی چندسطحی و چندعاملی با رویکردهای اکولوژیکی گسترده تر برای توسعه راهبردهای پیشگیری مؤثر ضروری است.

کلیدواژه ها: بزه دیدگی، بزه دیدگی جنسی، جرم شناسی

تلفیقی، پیش بینی های بزه دیدگی، پیشگیری



مقدمه

بزه‌دیدگی‌های جنسی یکی از پر تبعات‌ترین انواع بزه‌دیدگی و همراه با آثاری بلندمدت و بعضاً جبران‌ناپذیر برای بزه‌دیدگان است. این آثار، ابعاد گسترده و چندوجهی داشته که شامل آسیب‌های جسمی، احساسی و فقدان سلامت روانی در طول عمر بزه‌دیده است. در بعد روانی، یکی از پرآسیب‌ترین اثرات بزه‌دیدگی، خصوصاً در جرائم جنسی، اختلال استرس پس از آسیب^۱ است که بسیاری از بزه‌دیدگان را درگیر می‌کند؛ افکار مزاحم، رفتارهای اجتنابی، علائم خلقی، علائم برجسته اضطراب و برانگیختگی‌های بیش‌ازحد که عموماً با افسردگی، جامعه‌گریزی، تحریک‌پذیری و اختلال تمرکز همراه است، از جمله این آسیب‌ها است (Sigurdardottir S, Halldorsdottir S. 2021). همچنین، ناهنجاری‌های عاطفی که منجر به احساس سردرگمی، شرم، گناه و خشم می‌شود و می‌تواند منجر به چالش در روابط و کاهش احساس ارزشمندی برای بزه‌دیده شود، از دیگر آسیب‌های مربوط به این نوع از بزه‌دیدگی است (خدادی و افتخار، ۱۳۹۵). خطر افکار و اقدام به خودکشی در بین بزه‌دیدگان جرائم جنسی به‌طور قابل‌توجهی بیشتر است و چنانچه منجر به خودکشی نشود، این افراد را با رفتارهای خودآزاری به‌عنوان مکانیسم مقابله درگیر می‌کند (Stepakoff S, 1998). این آثار در همین نقطه متوقف نمی‌شود و در صورت عدم مداخله صحیح می‌تواند به اختلالات پیچیده‌تری ختم شود. به‌طور مثال، بزه‌دیدگی مکرر می‌تواند منجر به طیفی از مسائل روان‌شناختی از جمله اختلالات شخصیتی مانند اختلال شخصیت مرزی^۲ و اختلالات گسستگی یا تجزیه‌ای^۳ شود. تغییرات احساسی می‌تواند در بعد رفتاری نیز قابل‌مشاهده و اثر باشد. سوءمصرف مواد مخدر و الکل به‌منظور بی‌حس کردن درد عاطفی خود و رفتارهای جنسی پرخطر از جمله این تغییرات رفتاری است. در بعد فیزیکی، بزه‌دیدگان دردهای مزمن مانند فیبرومیالژیا^۴ و سندرم خستگی مزمن،

1. Post-traumatic stress disorder (PTSD)

2. Borderline personality disorder

3. Dissociative Disorders

4. fibromyalgia

مشکلات گوارشی مانند سندرم روده تحریک‌پذیر^۱ یا حالت تهوع مزمن را تجربه می‌کنند. همچنین، مسائل مربوط به سلامت باروری که می‌تواند منجر به مشکلات زنان، از جمله مقاربت دردناک و عفونت‌های مکرر شود، از تجربه‌های تلخ آنهاست (Sigurdardottir S, Halldorsdottir Ibid). بر اساس آخرین آمار موجود درصد زنان گزارش شده به‌عنوان قربانی تجاوز جنسی تقریباً ۳۵٪ از زنان در سراسر جهان است که در طول زندگی خود آزار جنسی را تجربه کرده‌اند. در بیشتر کشورهایی که اطلاعات مربوط به تجاوز جنسی در دسترس است، کمتر از ۴۰٪ از زنانی که خشونت جنسی را تجربه می‌کنند امکان کمک گرفتن را دارند و کمتر از ۱۰٪ از نیروی انتظامی کمک می‌گیرند.^۲ نکته مهم آنجاست که بسیاری از زنانی که خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند، به‌ندرت در مورد تجربیات خود گزارشی می‌دهند یا با آن‌ها روبرو می‌شوند، بدین‌سان، آمار بالای جرم‌های گزارش نشده که به دلایلی مختلف چون فقدان احساس امنیت، موانع فرهنگی و ... اتفاق می‌افتد، نشان‌دهنده آسیب‌های درمان‌نشده‌ای است که هرکدام زمینه آسیب‌پذیری بیشتر و تداوم ناتوانمندی را فراهم می‌آورد.^۳ علاوه بر آنکه، وقتی بزه‌دیده تجاوز جنسی را گزارش نمی‌کند، نه تنها ریسک ارتکاب مجدد جرم، تشدید آسیب‌ها، بزه‌دیدگی مکرر و مشدد برای خود شخص بالا می‌رود، بلکه همواره این ریسک برای شخص دیگری که آماج جرم بزهکار است نیز وجود دارد، لذا این مسئله نه فقط امری شخصی است، بلکه با مسئله امنیت عمومی نیز در ارتباط است. با این حال باید توجه داشت که تجاوز مرد به زن یکی از اشکال تجاوز جنسی است و سه حالت دیگر نیز متصور است که در پی تکامل آموزه‌های

^۱. irritable bowel syndrome

^۲. <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/rape-statistics-by-country>

^۳. یکی از راه‌های پوشش دادن چنین مشکلی پیمایش‌های بزه‌دیدگی است که در کشورهای چون آمریکا و کانادا رایج است. این پیمایش با حفظ محرمانگی داده‌های بزه‌دیدگان به‌صورت چرخشی در سراسر سال انجام می‌شود (دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیش‌گیری از جرم، ۱۳۹۳، پیشین، ص ۱۳۹۶)

جرم‌شناسی به شکل سنتی آن اضافه شده‌اند،^۱ همچنین روش‌های تجاوز نیز مشمول چنین تغییراتی است که با توجه به شرایط روز جامعه در حال تحول است. فارغ از شکل و روش تجاوز، پیامدهای آن چون پرخاشگری شدید و احساساتی نظیر ترس و خشم، گناه، شرم و اختلال در خوردن و خوابیدن، رفتار نامناسب جنسی و... است که سطح آسیب‌پذیری را برای بزه‌دیدگی مکرر افزایش می‌دهد و مداخلات درمانی را در سریع‌ترین زمان ممکن آن لازم می‌گرداند. براساس مطالعات، به دنبال آزار و اذیت و تجاوز جنسی کودکان، ۴۸٪ از آنان علائم پی‌تی‌اس‌دی را نشان داده‌اند که در مطالعه دیگری این درصد ۴۴٪ ارزیابی و تخمین زده شده است. مطالعه ملی زنان تأیید چشمگیری در مورد تأثیر بهداشت روانی تجاوز جنسی ارائه داده است. این مطالعه میزان مقایسه‌ای چندین مشکل بهداشت روانی را در میان قربانیان تجاوز جنسی و غیر قربانیان تعیین کرده است. این مطالعه مشخص کرده است که قربانیان تجاوز جنسی بیشتر از افراد غیر قربانی که دارای مشکلات مخرب بهداشت روانی بوده‌اند، اختلال استرس پس از سانحه را تجربه می‌کنند. تقریباً یک‌سوم (۳۱٪) از کل قربانیان تجاوز، در طول زندگی خود دچار PTSD شدند و بیش از هر ده قربانی تجاوز (۱۱٪) هنوز هم مبتلا به PTSD هستند. احتمال وقوع PTSD در قربانیان تجاوز ۶/۲ برابر بیشتر از زنانی بود که هرگز قربانی جرم نشده بودند (۳۱٪ در مقابل ۵٪). احتمال وقوع PTSD در حال حاضر قربانیان تجاوز ۵/۵ برابر بیشتر از کسانی است که هرگز قربانی جرم نشده‌اند (۱۱٪ در مقابل ۲٪). این آمار اختلالات فراوان روانی در بزه‌دیدگان جرائم جنسی را نشان می‌دهد^۲ که نه تنها از سوی فردی بیگانه، حتی از سوی همسر یا شریک جنسی قابل تحقق است و نیازمند مداخلات سریع اولیه در برخورد با چنین بزه‌دیدگانی است. در مجموع، اثرات درازمدت بزه‌دیدگی جنسی گسترده و پیچیده است و بر هر جنبه‌ای از زندگی بزه‌دیدگان تأثیر می‌گذارد. درک این پیامدها برای ارائه

۱. اشکال دیگر آن، تجاوز زن به مرد، مرد به مرد و زن به زن است. (چلبی، ۱۳۹۰، ص. ۲۰۱)

۲. <https://mainweb-v.musc.edu/vawprevention/research/mentalimpact.shtml>

حمایت و مداخلات مناسب که نیازهای منحصر به فرد بزه‌دیده را برطرف می‌کند، بسیار مهم است.

جرم‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از علوم جنایی که با روش علمی و عینی به تحلیل عوامل زیستی، روانی و اجتماعی پیدایش جرم، مجرم، بزه‌دیده و سایر عوامل دخیل در آن با هدف پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و درمان مجرم و بزه‌دیده می‌پردازد، به دنبال ارائه نظریاتی بوده است تا از مسیر نظری بتواند به این اهداف جامه عمل بپوشاند. اگرچه این نظریات هر کدام از منظری به تحلیل جرم پرداخته‌اند اما مطالعات نوین جرم‌شناختی به این نتیجه رسیده‌اند که هر نظریه‌ای به تنهایی نمی‌تواند پاسخگو و تصویرگر جامع از یک واقعه مجرمانه باشد و تلفیق دیدگاه‌ها می‌تواند تحلیل شفاف‌تری از رفتارهای مجرمانه ارائه دهد. از این‌رو، در مطالعات نوین جرم‌شناختی، نظریات تلفیقی با رویکردهای مختلف شکل گرفته است که این نظریات، امکان تحلیل چندوجهی را فراهم و متعاقب آن، راهکار پیشگیری، درمان و بازتوانی مؤثرتری را ارائه می‌کنند.

بر اساس نکات فوق، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که از بعد نظریات تلفیقی و به‌منظور کاهش احتمال ارتکاب جرائم جنسی که از جمله پرآسیب‌ترین جرائم خشونت‌بار است، چه معیارهای پیش‌بینی‌کننده‌ای را می‌توان ارائه داد؟ بر این اساس، ابتدا به نظریات تلفیقی و سپس به ارائه معیارهای پیش‌بین پرداخته خواهد شد.

۱- جرم‌شناسی تلفیقی؛ درک چندوجهی بزه‌دیدگی جنسی

جرم‌شناسی تلفیقی رویکردی نظری است که به دنبال ترکیب عناصری از نظریه‌های متعدد جرم‌شناختی برای درک جامع‌تری از جرم و رفتار مجرمانه است. هدف این ادغام، پرداختن به پیچیدگی‌های پدیده‌های جنایی است که نظریه‌های منفرد ممکن است به‌طور کامل آن‌ها را درک نکنند. درک واقعیت پدیده‌های مجرمانه از منظر جرم‌شناسان با سبک‌های مختلف نظری نیز متفاوت است. به‌طور مثال، جرم‌شناسان اثباتی تصور می‌کنند که یک واقعیت عینی وجود دارد که می‌توان معیارهای دقیق و معقولی از آن به دست آورد و این واقعیت عینی عامل اصلی تعیین‌کننده رفتار از جمله پیدایش جرم است. درحالی‌که جرم

شناسان بر ساخت گرا بر این امر تأکید می‌کنند که دیدگاه مردم نسبت به واقعیت به‌طور اجتماعی ساخته می‌شود، خصوصاً آنکه دیدگاه‌هایشان با ویژگی‌ها و تجربیاتشان اعم از ارزش‌های مورد قبول و افرادی که در تعامل با آن‌ها هستند، شکل می‌گیرد. تفاوت این دو دیدگاه اصلی در تبیین واقعیت، نتیجه عملی در تبیین جرم و ابعاد آن دارد. بعد اول، امکان دقیق اندازه‌گیری و تحلیل عوامل جرم است و دیگری، با اعتقاد به وجود ذهنیت‌های مختلف جرم و فقدان واقعیتی عینی، امکان اندازه‌گیری دقیق از آن را ممکن نمی‌داند. نتیجه اولیه این دیدگاه‌ها این‌گونه خواهد بود که در دیدگاه اول، امکان اعمال نظرات و ذهنیات فردی در تحلیل علل وقوع جرم وجود ندارد زیرا واقعیت تجزیه‌پذیر نیست و نمی‌توان با ورود دیدگاه و نظرات شخصی واقعیت را تغییر داد، این در حالی است که در دیدگاه دوم، نظرات و ذهنیات فردی اساس تحلیل است و سطح تعصبات غیرواقعی نسبت به جرم و تحلیل واقعیت‌های عینی، با در نظر گرفتن تأثیر دیدگاه‌های افراد است. بدیهی است تلفیق این دیدگاه‌ها، توانایی توضیح و کنترل جرم را بهبود می‌بخشد زیرا جرم اقدامی است که از شرایط عینی و دیدگاه‌های ذهنی افراد نشئت می‌گیرد.

در ابتدایی‌ترین سطح، چنین رویکردی اجازه می‌دهد تا محققان با ارائه داده‌ها از منابع اطلاعاتی متعدد، علل جرم را بهتر ارزیابی کنند و چارچوب توضیحی گسترده‌تری داشته باشند. این مزیت امکان غلبه بر محدودیت‌های حاصل از نگاه تک‌بعدی را از بین می‌برد. به‌عنوان مثال، ادغام نظریه‌های کنترل اجتماعی^۱ و یادگیری اجتماعی^۲ به روشن شدن چگونگی تأثیر همسالان بر یکدیگر و ساختارهای اجتماعی در توسعه رفتار بزهکارانه کمک

۱. نظریه کنترل در جامعه‌شناسی (به انگلیسی: Control theory (sociology)) نظریه‌ای است که بر اساس آن، دو نظام کنترل - کنترل‌های درونی و کنترل‌های بیرونی - سبب کنترل انسان به عدم تمایل به سمت ارتکاب جرم می‌شوند. کج رفتاری و جرم بیش از آنکه ناشی از محرک‌های بیرونی باشد، محصول فقدان کنترل‌های مذکور است. (پیکا؛ علی حسین نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۹)

۲. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی (Social Learning Theory)، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرآیند رابطه با افراد دیگر، به خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. (وایت، هینز؛ علی سلیمی،

می‌کند، در حالی که هر نظریه به طور جداگانه تنها از یک بعد به تحلیل جرم پرداخته است. در سطحی دیگر، نظریه های یکپارچه امکان توسعه راهبردها و سیاست‌های پیشگیرانه جرم را تسهیل می‌کنند، بدین توضیح که با هدف قرار دادن جنبه‌های متعدد جرم، احتمال موفقیت در پیشگیری را افزایش می‌دهند. رسیدن به سطح مذکور، پیش‌تر نیازمند همکاری رشته‌های مختلف دانشگاهی است تا با غنی‌سازی بینش‌های متنوع منجر به تحقیقات نوآورانه‌ای شود که این تحقیقات پارادایم‌های موجود را به چالش بکشد و درک عمیق‌تری از جرم ارائه کند.

تلفیق‌های نظری از چند مسیر محقق شده و درنهایت به دنبال ارائه تفسیر جامع‌تری از پدیده‌های مجرمانه است؛ ادغام متوالی^۱، ادغام پهلوه‌پهلوه^۲ و ادغام بالا و پایین^۳ که امکان

^۱ End-to-End Integration. در ادغام متوالی نتایج یک نظریه بر متغیرهای نظریه دیگر تأثیر می‌گذارد و یک زنجیره علی ایجاد می‌کند؛ بدین توضیح که عوامل خاصی با ترتیب خاصی بر افراد تأثیر می‌گذارد و منجر به رفتار مجرمانه می‌شود و آنچه از موضوعیت برخوردار است، توالی زمانی میان متغیرهای علی است. به‌عنوان مثال، زمینه بیولوژیکی خشونت به‌عنوان پایه و اساس نظریه پیوند اجتماعی قرار می‌گیرد و پیوند اجتماعی ضعیف منجر به رفتار بزهکارانه خواهد شد.

^۲ Side-by-Side Integration. نظریه‌های مختلفی برای توضیح مقوله متمایز در رفتار مجرمانه به کار می‌رود. این نوع از اقدام در یک زمان و عموماً برای توضیح نظری جرائم خاص دسته‌بندی شده و تفکیک آن از سایر انواع جرم به کار می‌رود. دسته‌بندی نظری جرائم (به‌عنوان مثال جرائم علیه اشخاص در مقابل جرائم علیه اموال) توضیح نظری خاص آن دسته جرائم را می‌طلبد و ادغام پهلوه‌پهلوه این امکان را فراهم می‌کند. به‌عنوان مثال، در جرائم یقه‌سفیدان (در جرائمی مانند کلاهبرداری یا اختلاس)، از نظریه انتخاب عقلانی که افراد در آن، قبل از ارتکاب جرم به ارزیابی هزینه و فایده می‌پردازند، استفاده می‌شود. در مقابل، نظریات فشار توضیح بهتری برای جرائم خشونت‌بار دارد؛ جایی که افراد به دلیل فشارهای اجتماعی یا کمبود فرصت‌های مشروع دست به بزهکاری می‌زنند و تلفیق آنها امکان تحلیل گسترده‌تر و جامع‌تری فراهم می‌کند.

^۳ Up-and-Down Integration. هدف ترکیب سطوح مختلف تحلیل (فردی، سازمانی، اجتماعی) در یک چارچوب و تقلیل آن‌ها به یک نظریه واحد است. (Carl Rodrigue, 2023) به‌عنوان مثال، اگر نظریه الف عمومی‌تر و نظریه ب خاص‌تر باشد، جنبه‌های نظری ب را می‌توان در نظریه الف ادغام کرد تا قدرت توضیحی آن در مورد رفتار مجرمانه افزایش یابد. نمونه برجسته‌ای از ادغام بالا و پایین را می‌توان در کار

ارائه نظریات تلفیقی در تبیین چندوجهی جرائم جنسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جرائم علیه تمامیت جسمی و معنوی افراد را فراهم می‌کند. آمار جرائم ارتكابی این جرائم در ایران به لحاظ محدودیت‌های مختلف ناشی از ماهیت این جرم معلوم نیست.^۱ مطالعه‌ای میزان سوءاستفاده جنسی از کودکان را بین ۱/۵ تا ۳۲/۵ درصد برآورد کرده است (Danaeifar et al., 2022). مطالعه‌ای دیگر که بر روی ۵۳۰ ایرانی انجام شد نشان داد که ۶۳ درصد از زنان و ۵۱ درصد از مردان حداقل یک مورد تجاوز جنسی را از سن ۱۵ سالگی تجربه کرده‌اند (Malayeri, et al., 2022). همچنین، بر پایه گزارش‌ها، سالانه حدود ۱۶۵۰ مورد جرم جنسی در استان تهران ثبت می‌شود.^۲ براین اساس، تبیین این جرائم با نگاهی جامع‌تر بیش‌ازپیش دارای اهمیت است. نظریه تلفیقی بزه‌دیدگی جنسی یک چارچوب مفهومی است که به دنبال درک عوامل پیچیده‌ای می‌باشد که در بزه‌دیده شدن جنسی و پیامدهای آن نقش دارند. این نظریه عناصر مختلفی را از دیدگاه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زیست‌شناختی ترکیب می‌کند تا درک جامعی از چگونگی و چرایی بزه‌دیده شدن جنسی، آنچه رخ می‌دهد و بر افراد تأثیر می‌گذارد، ارائه کند.

دلبرت الیوت و همکارانش در سال ۱۹۷۹ یافت. آن‌ها عناصری از نظریه فشار، نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه کنترل اجتماعی را ترکیب کردند تا نشان دهند که افراد می‌توانند از دو مسیر وارد بزهکاری شوند؛ مسیر کنترل اجتماعی پایین (افرادی که پیوندهای اجتماعی ضعیفی دارند، بیشتر با همسالان بزهکار ارتباط برقرار می‌کنند که منجر به رفتار مجرمانه می‌شود) و مسیر کنترل اجتماعی بالا (برعکس، افرادی که در ابتدا دارای کنترل‌های اجتماعی قوی هستند، ممکن است در دستیابی به اهداف ارزشمند شکست بخورند که می‌تواند آن‌ها را به جستجوی همسالان بزهکار و شرکت در فعالیت‌های مجرمانه سوق دهد). در هر دو مسیر، عامل مهم، قرار گرفتن در معرض همسالان بزهکار است که نشان می‌دهد چگونه ساختارهای نظری مختلف را می‌توان برای توضیح ماهیت پیچیده بزهکاری ادغام کرد. (Ellittott et al., 1979)

^۱. بسیاری از قربانیان به دلیل ترس از قضاوت اجتماعی و عدم حمایت قانونی، از گزارش تجاوز خودداری می‌کنند. این موضوع به ویژه در مورد زنان بیشتر مشهود است. همچنین، به دلیل نبود مطالعات جامع و مستقل، آمار دقیقی از بزه‌دیدگی جنسی در ایران وجود ندارد. اطلاعات موجود عمدتاً مقطعی و محلی هستند و امکان مقایسه با دیگر کشورها را دشوار می‌سازند. <https://www.asriran.com/fa/news>.

^۲. <https://www.asriran.com/fa/news>.

۱-۱- تبیین تلفیقی عوامل بیولوژیکی، روانشناختی و اکولوژیکی

این تعامل بزه‌دیدگی جنسی را ترکیبی از عوامل متقابل در سطوح مختلف می‌داند. عوامل بیولوژیکی یکی از این دسته عوامل است که شامل استعدادهای ژنتیکی، فرایندهای عصبی زیستی و تأثیرات تکاملی است که ممکن است بر رفتار تأثیر بگذارد. به طور مثال، عوامل رشد عصبی می‌تواند بر تغییرات رفتاری تأثیرگذار باشد و در پیامدهای سوءاستفاده جنسی نقش ایفا کند. تجارب نامطلوب دوران کودکی، از جمله سوءاستفاده جنسی می‌تواند منجر به اختلال در سیستم‌های پاسخ به استرس بیولوژیکی شود که ممکن است به شرايطی مانند اختلال استرس پس از آسیب و رشد نامطلوب مغز کمک کند و در نهایت، بی‌نظمی می‌تواند زمینه آسیب‌پذیری قلمداد شود. همچنین، عوامل بیولوژیکی مانند سن و جنسیت به طور قابل توجهی بر خودپنداره جنسی و آسیب‌پذیری در برابر بزه‌دیدگی تأثیر می‌گذارد. جوانان ممکن است مکانیسم‌های مقابله‌ای کمتر توسعه‌یافته‌ای داشته باشند که به همین علت، آن‌ها را بیشتر مستعد سوءاستفاده جنسی و تأثیرات ناشی از آن می‌کند. علاوه بر این، تفاوت‌های جنسیتی در جامعه‌پذیری و پاسخ‌های بیولوژیکی می‌تواند بر نحوه تجربه و واکنش افراد به بزه‌دیدگی جنسی تأثیر بگذارد (Potki et al 2017). تأثیرات ژنتیک و هورمونی نیز از دیگر عوامل بیولوژیک است که به عنوان محرکی بالقوه برای بزه‌دیدگان جنسی شناسایی شده است (Luis & deBaca, 2015). عوامل و ویژگی‌های روان‌شناختی فردی مانند مسائل مربوط به سلامت روان یا اختلالات شخصیتی نیز می‌تواند آسیب‌پذیری را در برابر بزه‌دیدگی افزایش دهد.

در تبیین چندوجهی، تعامل بین عوامل بیولوژیکی و پاسخ‌های روانی در درک بزه‌دیدگی جنسی بسیار مهم است. بزه‌دیدگان سوءاستفاده جنسی در دوران کودکی، اغلب خودپنداره‌های منفی جنسی را در ذهن دارند که می‌تواند منجر به مسائل روانی بیشتر مانند اضطراب و افسردگی شود. این پیامدهای روان‌شناختی با پاسخ‌های استرس بیولوژیکی ترکیب شده و به صورت فعالیت هورمونی نامنظم ظاهر می‌شوند (Travin & Protter, 1993). عدم تعادل در عملکرد این دو سیستم ناشی از اختلال بیولوژیک-روانشناختی محصول بزه‌دیدگی می‌تواند در شدت علائم آن نقش داشته باشد؛ بدین

توضیح که با تغییر هویت جنسی فرد همراه باشد. ادراکات تغییر یافته‌ای که تأثیر آن در ایجاد روابط بعدی بزه‌دیده، چرخه‌های بزه‌دیدگی یا راهبردها و مکانسیم‌های مقابله‌ای ناسازگار تداوم دارد.

عوامل اکولوژیکی نیز در ترکیب عوامل فوق، نمایانگر چهره جامع‌تری از بزه‌دیدگی جنسی است. محیط اجتماعی و فرهنگی، از جمله هنجارهای اجتماعی و شرایط شخصی، نقش مهمی در شکل‌دهی تجربیات بزه‌دیده بازی می‌کند. درک عوامل بوم‌شناختی مرتبط با بزه‌دیدگی جنسی، شامل بررسی چگونگی تعامل لایه‌های مختلف تأثیر - از ویژگی‌های فردی تا هنجارهای اجتماعی گسترده‌تر - برای تأثیرگذاری بر شیوع و تجربه خشونت جنسی لازم است. در سطح فردی، عواملی چون جنسیت و جهت‌گیری جنسی و دانش و مهارت فردی می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ بدین توضیح که زنان احتمال تجربه بیشتری از آزار جنسی دارند و بالا بردن سواد سلامت جنسی، مانند فهم استفاده از کاندوم، می‌تواند با کاهش خطر بزه‌دیده شدن مرتبط باشد (Guochen Fu et al, 2023). همچنین، پویایی در روابط شخصی، ساختار خانواده ازهم‌گسیخته یا غیر حامی، داشتن شرکای جنسی متعدد از دیگر علل است. در سطح اجتماعی، ویژگی‌های جامعه نقش مهمی در شکل‌دهی محیطی که افراد در آن زندگی می‌کنند، ایفا می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که مناطق شهری ممکن است دارای نرخ‌های متفاوتی از خشونت جنسی در مقایسه با محیط‌های روستایی باشند که اغلب تحت تأثیر هنجارهای جامعه و منابع موجود برای حمایت از بزه‌دیدگان است. همچنین، هنجارهای اجتماعی افراد در جوامعی که خشونت را می‌پذیرند یا چارچوب‌های قانونی ضعیفی در برابر تجاوز جنسی دارند، امکان بیشتری برای بزه‌دیدگی دارند. نگرش‌های فرهنگی که از سلطه مردان حمایت می‌کنند نیز می‌توانند به افزایش خطرات کمک کنند (Emily & Waterman, 2002).

مبتنی بر گزاره‌های فوق، ادغام و تعامل چندوجهی عوامل‌های شناختی - رفتاری، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریات بوم‌شناختی و نظریه‌های رشد می‌تواند مسیرهای منتهی به آزار جنسی را به نحو جامع‌تری توضیح دهد. با تدقیق در نوع ادغام، متوالی بودن قابل مشاهده است؛ به گونه‌ای که عوامل خاصی در یک توالی زمانی منجر به عوامل دیگر

می‌شوند. به عنوان مثال، تجربیات اولیه سوءاستفاده جنسی یا ترومای ناشی از آن می‌تواند بر تحریف‌های شناختی تأثیرگذار باشد و همین امر، احتمال بزه‌دیدگی جنسی در آینده را افزایش دهد.

۲-۱- تبیین تلفیقی رشد در جریان زندگی

رشد جریان زندگی یک چارچوب جامع است که تعامل بین رشد فردی و تأثیرات اجتماعی در طول عمر را بررسی کرده است. این تبیین نشان می‌دهد که چگونه رویدادها و گذارهای مختلف زندگی، رفتار و رشد انسان را در طول زمان شکل می‌دهند. همچنین، تبیین می‌کند که رفتار جنسی از تعامل بین پتانسیل بیولوژیکی یک فرد برای خشونت و تجربیات رشدی آن‌ها ناشی می‌شود. درعین حال، عواملی می‌تواند در کاهش یا افزایش آن نقش داشته باشد. اجتماعی شدن مثبت می‌تواند این پتانسیل را کاهش داده و در مقابل، تجربیات نامطلوب ممکن است آسیب‌پذیری را در برابر رفتارهای مجرمانه جنسی افزایش دهد (Alwin DF, 2012).

فرایند رشد در زندگی به طور طبیعی شامل مراحل از زمان تولد تا مرگ است که هر دوره اقتضائات و شرایط خاص خود را دارد و این شرایط بر زندگی فرد تأثیرگذار است. همچنین، مراحل که انسان تحت تأثیر شرایط اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی تجربه می‌کند و رویدادهای مهمی مانند ازدواج، پدر و مادر شدن یا بازنشستگی که بر مسیر حرکت فرد تأثیر می‌گذارد، در درک فرایند رشد مهم بوده و نیازمند بررسی است. علاوه بر تمام عوامل پیشین، تجربیات اولیه زندگی انسان از اهمیت دوچندان برخوردار است؛ بدین معنا که چگونه تجربیات در اوایل زندگی حاصل می‌شوند و بر نتایج بعدی تأثیر می‌گذارند.

در تبیین چگونگی احتمال بزه‌دیدگی در این مسیر تلفیقی پهلوی به پهلوی، بینش‌های روانشناسی رشد و جامعه‌شناسی ادغام می‌شوند. روانشناسی طول عمر بر تغییرات بیولوژیکی و عملکردی تمرکز دارد و جامعه‌شناسی رشد جریان زندگی به بررسی چگونگی شکل‌دهی ساختارها و نهادهای اجتماعی به مسیرهای فردی می‌پردازد. تحولات اخیر نیاز

به ترکیبی از این دیدگاه‌ها را برای درک بهتر رشد انسانی در این زمینه برجسته کرده است (David P. Farrington, 2017).

تبیین این مسیر از بزه‌دیدگی جنسی، براساس آموزه‌های فوق، این‌گونه است که انسان‌ها از مسیرهای رشد متفاوت و تحت تأثیر عوامل بیولوژیک، روانی و اجتماعی پیروی می‌کنند و این مسیرها می‌توانند به نتایج متفاوتی نیز از نظر رفتارهای ضداجتماعی و خطر بزه‌دیده شدن منجر شوند. به‌عنوان مثال، مواجهه زودهنگام با تروما یا تجربیات نامطلوب دوران کودکی می‌تواند به طور قابل‌توجهی احتمال بزه‌دیده شدن جنسی را افزایش دهد. همچنین، عوامل زمینه‌ای چون پویایی خانواده، روابط با همسالان، محیط مدرسه و جامعه، هر یک، می‌تواند خطر بزه‌دیده شدن را کاهش داده یا تشدید کند. با تدقیق در مؤلفه‌های این مسیر تلفیقی مشخص می‌شود که تعامل پویا بین عوامل خطر و عوامل محافظتی و نظارتی مانند میزان تاب‌آوری، سیستم‌های حمایتی اجتماعی مثبت و مکانیسم‌های مقابله‌ای مؤثر در طول مراحل مختلف رشد، به‌خصوص دوران کودکی و نوجوانی در رفتارهای بزهکارانه یا خطر بزه‌دیده شدن نقش دارند.

نتایج عملی این تلفیق در رسیدن به یک نظریه محدود و جامع در حوزه بزه‌دیدگی جنسی، شناسایی آسیب‌پذیری‌ها با ترسیم مسیر زندگی فرد، شناسایی دوره‌های بحرانی به‌منظور مداخله زودهنگام و اثربخشی مؤثرتر، طراحی برنامه‌های مرتبط با عوامل خطر و پیشگیری از خشونت جنسی مبتنی بر پیش‌بینی‌های آن، ارتقاء میزان تاب‌آوری با تأکید بر عوامل محافظتی و در نتیجه، کاهش احتمال بزه‌دیدگی یا بزهکاری است (Lussier, et al. 2015).

۳-۱- تبیین تلفیق میان سطحی شناختی-محیطی

تلفیق در بستر روانشناسی و جرم‌شناسی بر پیچیدگی این عوامل در وقوع چنین جرائمی و نقش آن در تحلیل بزه‌دیدگی تأکید دارد. ادغام مبانی روان‌شناختی و جرم‌شناختی بزه‌دیدگی جنسی منجر به درک تعامل پیچیده بین عوامل فردی، رابطه‌ای و اجتماعی است که هم در ارتکاب خشونت جنسی و هم بزه‌دیدگی افراد نقش دارند. تلفیق بعد شناختی که به نحوه ارزیابی و تفسیر افراد در تهدیدهای بالقوه می‌پردازد، با عامل محیط

که بستر بروز جرم است، تصویر دقیق تری در چرایی بزه‌دیدگی نشان می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که زنانی که بزه‌دیده جرائم جنسی هستند یا به نوعی این بزه‌دیدگی را تجربه کرده‌اند، ابتدائاً در تشخیص نشانه‌های خطر مشکلاتی را تجربه کرده‌اند. (Xu et al, 2013, 223) بدیهی است هرگونه تحریف در ارزیابی شناختی که متأثر از تصورات برداشت شده از محیط است، می‌تواند آسیب‌پذیری بزه‌دیدگان را در برابر این جرائم افزایش دهد و متعاقب آن، عدم مداخله در اصلاح انحرافات شناختی یا تغییرات محیطی این آسیب‌پذیری را در برابر تکرار بزه‌دیدگی تشدید می‌کند زیرا که تحریف شناختی و بی‌نظمی‌های عاطفی ناشی از آن با وقوع بزه‌دیدگی مرتبط است که بر فرایند‌های تصمیم‌گیری در موقعیت خطر تأثیر می‌گذارد.

از سویی دیگر، نه تنها نحوه درک از موقعیت‌ها و تصورات شناختی حاصل از آن، بلکه توانایی مدیریت و پاسخگویی به تجربیات هیجانی نقش مهمی در ادراک ریسک دارد. مطالعات نشان می‌دهد که افراد با سابقه بزه‌دیدگی جنسی عموماً در تنظیم احساسات با مشکلاتی مواجه می‌شوند که می‌تواند توانایی آن‌ها را برای شناسایی و واکنش مؤثر به خطرات محیطی مختل کند. به عنوان مثال، کسانی که بیش از حد بر وضعیت عاطفی خود متمرکز هستند، ممکن است علائم مهمی را که نشان‌دهنده خطر است، نادیده بگیرند و این غفلت می‌تواند فرد را در موقعیت خطر بزه‌دیدگی قرار دهد.

تلفیق داده‌های فوق در جرم‌شناسی می‌تواند در تلفیق دو نظریه فعالیت‌های روزمره و نظریه سبک زندگی تبلور یابد؛ زمانی که بزه‌دیدگی حاصل عناصری از محیط و درک بزه‌دیدگی است. نظریه فعالیت‌های روزمره که ترکیب بزه‌دیده با انگیزه، هدف مناسب و فقدان نظارت توانمند است و ادغام آن با بینش‌های روانشناختی می‌تواند به شناسایی عوامل محیطی کمک کند که آسیب‌پذیری در برابر بزه‌دیدگی جنسی را افزایش می‌دهد؛ بدین توضیح که چگونگی درک بزه‌دیده از موقعیت که فرایندی روانشناختی است، او را از موقعیت‌های خطر دور کرده و هدف مناسبی برای بزه‌دیدگی قرار نمی‌دهد. همچنین، نظریه سبک زندگی که بر چگونگی تأثیر سبک زندگی شامل عواملی چون سن، جنس و فعالیت‌های اجتماعی بر احتمال بزه‌دیدگی تأکید دارد. تمامی عوامل مؤثر بر انتخاب

سبک زندگی حاصل مجموعه‌ای از تصورات فردی و اجتماعی بزه‌دیده است که انحرافات در این تصورات یا درک نادرست از موقعیت‌های اجتماعی می‌تواند مؤلفه‌ای از بزه‌دیده شدن باشد. (Azimi, 2013, 1-2). علاوه بر آن، بالارفتن سطح آسیب‌پذیری ناشی از تجربه بزه‌دیدگی جنسی، تحریف خودپنداره‌ها و جهان‌بینی فرد، نوع و سبک زندگی بزه‌دیده را تغییر می‌دهد؛ به گونه‌ای که پویایی آسیب از طریق تغییر واسطه‌های مختلف در سبک زندگی بزه‌دیدگان قابل مشاهده است و عدم مداخله توانمندساز در آن می‌تواند چرخه آسیب را ادامه دهد. این ارزیابی تلفیقی نشان می‌دهد که ویژگی‌های شناختی، مکانسیم‌های روانشناختی مقابله‌ای و رفتارهای حاصل از این ادراکات در انتخاب نوع فعالیت روزمره و سبک زندگی فرد تأثیرگذار است و متعاقب آن، این تأثیرات در انتخاب بزه‌دیده به عنوان یک هدف مناسب جرم‌نقش دارد.

۲- ادغام پیش‌بینی‌کننده‌ها برای پیشگیری از خشونت جنسی: رویکردی ساختاریافته

بر اساس نظریه‌های پیش‌گفته، بزه‌دیده شدن جنسی تلفیقی از عوامل مختلفی است که مجموع این عوامل می‌تواند چهره واضح‌تری از چرایی بزه‌دیده شدن ارائه کند. پیشتر این عوامل به صورت جداگانه و در سطوح مختلف شناسایی شده‌اند. عوامل فردی بزه‌دیدگی که سابقه بزه‌دیدگی، جزئی از آن بوده و بر اساس آن چرخه بزه‌دیدگی قابل پیش‌بینی است. افراد با سابقه بزه‌دیدگی جنسی در معرض خطر بیشتری برای تجاوزهای بعدی هستند. این پدیده که به عنوان بزه‌دیدگی مجدد^۱ شناخته می‌شود، در مطالعات مختلف دانشگاهی به خوبی مستند شده و آمار تکرار بزه‌دیدگی بر پایه پیمایش بین‌المللی به بیش از ۴۰٪ در هر سال می‌رسد (دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، جلد دوم، زیرنظر علی حسین نجفی ابرندآبادی ۱۳۹۳). استفاده از مواد مخدر و الکل نیز تقریباً ۴۳٪ از بزه‌دیدگان جرائم جنسی و ۶۹٪ از مجرمان این جرائم تحت تأثیر مصرف الکل بوده‌اند و این آمار در تجاوزهایی که از سوی افراد آشنا صورت گرفته است، به ۷۵٪

^۱. re-victimization

می‌رسد.^۱ همچنین است، مسائل مربوط به سلامت روان که مانند اضطراب یا اختلال استرس پس از آسیب بر بزه دیدگی تأثیرگذار است و ممکن است به دلیل عواملی مانند اختلال در قضاوت صحیح اخلاقی و اجتماعی یا انزوای اجتماعی، افراد را بیشتر مستعد بزه دیده شدن قرار دهد (Conley et al. 2016). براساس مطالعات، به دنبال آزار و اذیت و تجاوز جنسی کودکان، ۴۸٪ از آنان علائم اختلال استرس پس از آسیب را نشان داده‌اند که در مطالعه دیگری این درصد ۴۴٪ ارزیابی و تخمین زده شده است. تقریباً یک‌سوم (۳۱٪) از کل قربانیان تجاوز، در طول زندگی خود دچار اختلال استرس پس از آسیب شدند و بیش از هر ده قربانی تجاوز (۱۱٪) هنوز هم مبتلا به آن هستند. بدیهی است شناسایی این عامل در کاهش چشمگیر بزه دیدگی‌های مکرر نقش مهمی خواهد داشت (Julian & Ford, 2008). ویژگی‌های شخصیتی نیز مانند روان رنجوری شدید و عزت نفس پایین می‌توانند با افزایش خطر بزه دیده شدن مرتبط باشند و بر نحوه واکنش افراد به موقعیت‌های اجتماعی و توانایی آن‌ها برای تعیین مرزها تأثیر بگذارد (Maxwell, et al. 2003).

در سطحی بالاتر، محیط خانواده و تأثیر همسالان، مخصوصاً در سنین خاص نوجوانی و جوانی در شکل‌گیری‌های اخلاقی و رفتاری مشهود است. مطالعات نشان داده‌اند که گروه‌های همسال مرد با عادی‌سازی نگرش‌های حمایتی نسبت به پرخاشگری جنسی، به نگرش‌های خصمانه اعضا نسبت به زنان کمک می‌کنند. این محیط می‌تواند رفتارهای پرخاشگرانه را عادی کند و همدلی را کاهش دهد و منجر به افزایش نرخ خشونت جنسی در این شبکه‌ها شود. برعکس، گروه‌های همسالان با خصومت کمتر تمایل به پرورش نگرش‌های سالم‌تری دارند که نشان می‌دهد ساختار روابط همسالان نقش مهمی در شکل‌دهی رفتارهای مرتبط با خشونت جنسی دارد (Mulla MM, Bogen KW, Lopez G, Haikalis M, Meza Lopez RJ, Orchowski LM. 2023). همچنین، نوع تعاملات جنسی پیش‌بینی کننده مهمی برای بزه دیدگی جنسی بوده‌اند. مطالعات مختلف نشان می‌دهد

^۱. <https://alcohol.org/health-effects/sexual-assault-college-campus/>

که چگونه الگوهای خاص قرارهای عاشقانه فرد می‌تواند آسیب‌پذیری وی در برابر پرخاشگری جنسی را افزایش دهد (Mulla, et al. 2023).

در سطح بعدی، عوامل اجتماعی هستند که بی‌سازمانی اجتماعی یکی از آنهاست؛ بدین توضیح که عوامل ساختاری و فرهنگی مختلفی در جوامع وجود دارد که می‌تواند بر میزان خشونت جنسی تأثیر بگذارد. این مفهوم در درجه اول به فروپاشی نهادهای اجتماعی، انسجام جامعه و قابلیت محله‌ها برای تنظیم رفتار مربوط می‌شود (Rayment-McHugh, 2023). همچنین، تحقیقات نشان می‌دهد که مناطقی که با آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی، تحرک بالایی مسکونی و ناهمگونی نژادی با نرخ بالاتری از تجاوزهای جنسی مرتبط هستند. مطالعه دیگری بر اهمیت عوامل جغرافیایی مانند حضور مجرمان جنسی، اعضای باند و خانه‌های مصرف مواد مخدر تأکید کرده است (Konkel, et al. 2021). علاوه بر آن، هنجارهای فرهنگی ناسالم به پذیرش تجاوز جنسی کمک می‌کنند و موجب بالابردن سطح تحمل خشونت در جامعه خواهند شد. جوامعی که تحمل خشونت جنسی بالاتر و واکنش کمتری نسبت بدان دارند، محیط‌هایی را ایجاد می‌کنند که احتمال وقوع چنین اعمالی در آن جوامع بیشتر است (Dworkin, & Weaver. 2021). نگرش‌های سرزنش‌کننده بزه‌دیده نیز سبب کاهش گزارش دهی تجاوزها، برچسب‌زنی به بزه‌دیده و دشواری تحقق عدالت برای بزه‌دیدگان خواهد شد و درنهایت نیز مشوق تکرار این رفتارها در جامعه می‌شود (Kalra & Bhugra. 2013).

در کلان‌ترین سطح، میزان و نوع حمایت قانونی و نهادی از یک پدیده اجتماعی می‌تواند در شیوع یا کاهش آمار آن تأثیرگذار باشد (Dworkin, & Weaver. 2021). چارچوب‌های قانونی ضعیف و دستگاه‌های حمایتی ناکافی برای بزه‌دیده می‌تواند مانع از گزارش دهی و موجب تداوم چرخه‌های خشونت شود. (شاهپوری و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین، نقش رسانه‌ها به‌عنوان یک منبع حمایتی نیز حائز اهمیت است. امروزه، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی به فضاهای حیاتی برای بزه‌دیدگان تبدیل شده است تا تجربیات خود در مورد خشونت جنسی را به اشتراک بگذارند. با این حال، اگرچه این افشاگری‌ها می‌تواند جایگاه بزه‌دیدگان را تقویت و همبستگی ایجاد کند، درعین حال، می‌تواند آن‌ها را در معرض

واکنش‌های اجتماعی منفی مانند تمسخر یا قضاوت شدگی قرار دهد. تحقیقات نشان می‌دهد که پاسخ‌های منفی به افشاگری‌های آنلاین می‌تواند پربشانی روانی را در بین بزه‌دیدگان تشدید کند و منجر به افزایش احساس شرم و انزوا در آنان شود (Purba, et al., 2023).

همان‌طور که در تفسیر نظری تلفیقی بزه‌دیدگی جنسی بیان شد، تلفیق دیدگاه‌ها و مدل‌های مختلف می‌تواند تفسیر جامع‌تری از نوع و آثار بزه‌دیدگی جنسی ارائه دهد. مشابه با آن، تلفیق پیش‌بینی‌کننده‌های بزه‌دیدگی جنسی نیز می‌تواند الگوی جامع‌تری برای پیشگیری از این نوع بزه‌دیدگی ارائه دهد که موضوع نوشتار حاضر است.

۲-۱- ادغام نگرش‌ها و هنجارها در سطوح فردی و اجتماعی

ادغام پیش‌بینی‌کننده‌ها با هدف پیشگیری از خشونت جنسی شامل رویکردی ساختاریافته است که به نگرش‌های فردی، هنجارهای جامعه و شیوه‌های نهادی می‌پردازد. براساس عناصر پیش بین بزه‌دیدگی که پیشتر بیان شد، می‌توان با تلفیق عناصر به مدل‌های تلفیقی دست یافت که پیامدها و نتایج پیشگیرانه جامع‌تری ارائه دهند. در ادغام نگرش‌ها به عنوان یک مدل تلفیقی دو مرحله حیاتی قابل تبیین است. مرحله یک پرداختن به نگرش‌های فردی است. گام اول بر تغییر نگرش‌ها و باورهای مضر تمرکز دارد که به قربانی شدن جنسی کمک می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که افرادی که ظرفیت بالاتری از پذیرش باورها و نگرش‌های مضر جنسی دارند، احتمال بیشتری برای درگیر شدن در بزهکاری و بزه‌دیدگی جنسی را تجربه می‌کنند و برخی مطالعات نیز، سطح نگران‌کننده‌ای از انطباق داستان‌ها و افسانه‌های مضر جنسی را با ارتکاب بزه نشان می‌دهد (Orchowski et al, 2023,1)، همچنین، هنجارها و باورهای اجتماعی که شکل‌دهنده باورهای فردی هستند. چنانچه این هنجارها به سمت هنجارهای قوی ضدخشونت سوق داده شوند، می‌توان شاهد کاهش نرخ پذیرش رفتارهای خشونت‌آمیز جنسی و در نهایت، کاهش بزه‌دیدگی‌های جنسی بود. لذا اولین گام تلفیق پیش‌بینی‌کننده‌ها، مداخله در

سطح فردی و سپس انتقال آن به دیگر سطوح است. در گام اول، سه مرحله از تغییرات نیازمند تلفیق است.

تغییرات شناختی که افراد باید باورهای خود را در مورد خشونت جنسی، از جمله عادی سازی روایت‌های مضر موجود در رسانه‌ها و داستان‌های فرهنگی، بشناسند و به چالش بکشند. به عنوان مثال، پرداختن به تمجید از پرخاشگری جنسی می‌تواند به تغییر ادراک و کاهش پذیرش چنین رفتارهایی کمک کند. توسعه همدلی با بزه‌دیدگان نیز ضروری است. برنامه‌هایی که درک تأثیرات خشونت جنسی را تقویت می‌کنند، می‌توانند منجر به تغییرات رفتاری شوند که از مقصر دانستن قربانیان جلوگیری کرده و از بازماندگان حمایت می‌کنند. و در نهایت، تغییر رفتار که نمود واقعی تغییر در شناخت و باورهاست. این تغییرات شناختی و همدلانه با هدف تغییر رفتارها، تشویق افراد به مداخله در هنگام مشاهده موقعیت‌های توهین‌آمیز و حمایت از روابط محترمانه انجام می‌شود.

تمرکز بر هنجارها و باورها در این سطح از ادغام با مدل‌های اصلی پیش‌بینی آن تفاوت دارد. در مدل‌های اولیه تأکید بر متغیرهای فردی و موقعیتی که توجیه‌کننده رفتارهای منجر به تجاوز جنسی مردان است، می‌باشد در حالی که در مدل‌های تلفیقی به روز شده تأکید بیشتری بر هنجارها و باورهای درک شده و تأثیرات آن بر گروه‌های همسالان است که چگونه تغییرات شناختی به ویژه از طریق رویکرد هنجار اجتماعی به کاهش بزه‌دیدگی‌های جنسی منجر خواهد شد.

مرحله دوم از تلفیق و ادغام اجتماعی نیازمند انتقال این تغییرات فردی به بافت‌های اجتماعی بزرگتر است. مشارکت اجتماعی در گام اول از مرحله دوم، افراد را تشویق می‌کند تا باورهای تغییر یافته خود را در جوامع محلی‌شان به اشتراک بگذارند. این گام را می‌توان از طریق بحث‌ها، کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی که آگاهی در مورد آسیب‌های خشونت جنسی را ارتقا می‌دهد، تسهیل کرد. تغییر باورها منجر به حضور هنجارهای چالش برانگیز می‌شود. با تمرکز بر باورهای درونی شده از گام اول، اعضای جامعه برای به چالش کشیدن هنجارهایی که پرخاشگری جنسی را بی‌اهمیت جلوه می‌دهند، همکاری کنند. این امر شامل شناخت آسیب‌های ناشی از چنین نگرش‌هایی و حمایت از

راهبردهای آموزشی است که روابط سالم را ارتقا می‌دهد و این فرایند منتج به حمایت از تغییر می‌شود. مشارکت در بحث در مورد خشونت جنسی، افراد را قادر می‌سازد تا مدافعان تغییر در گروه خود شوند. این رویکرد مردمی می‌تواند به طور قابل توجهی بر نگرش‌های اجتماعی نسبت به خشونت جنسی تأثیر بگذارد و منجر به تغییر فرهنگی گسترده‌تر از پذیرش رفتارهای مضر شود.

به طور خلاصه، این رویکرد یکپارچه ابتدا بر اهمیت پرداختن به نگرش‌های فردی تأکید می‌کند و سپس انتقال این تغییرات به هنجارها و شیوه‌های جامعه را تسهیل می‌کند. با تقویت همدلی و به چالش کشیدن باورهای مضر، افراد می‌توانند نقش مهمی در پیشگیری از خشونت جنسی در هر دو سطح فردی و اجتماعی ایفا کنند.

۲-۲- ادغام سیستماتیک پیش بین‌های بزه‌دیدگی

بخش مهمی از پیش بینی کننده‌های بزه‌دیدگی مبتنی بر موقعیت بزه‌کار و بزه‌دیده تفسیر و تبیین می‌شود. همان‌طور که موقعیت‌ها می‌توانند منجر به بزه‌دیدگی جنسی شوند، مداخله در آن نیز می‌تواند به پیش بینی بزه‌دیدگی و امکان پیشگیری از آن منجر شود. تبیین عوامل خطر و پیش بینی کننده بزه‌دیدگی، در مدل‌های اصلی بر عوامل فردی و موقعیتی به صورت فوری و در لحظه نظر داشتند، اما در تلفیق سطوح مختلف بزه‌دیدگی جنسی می‌توان نگاه جامع‌تری به این پدیده داشت. علاوه بر آنکه، در سطح بندی‌های مدل اولیه میزان لایه‌های بررسی علل، کلی و به صورت سنتی به سه سطح فردی، جامعه‌ای و اجتماعی بسنده شده است، اما در مدل‌های تلفیقی جدید در بررسی علل، بیشتر جزئی شده و از سطوح دقیق‌تری برخوردار است که این مهم میزان دقت تحلیل و پیش بینی را افزایش می‌دهد. همچنین، ارائه تلفیق اکولوژیکی گسترده‌تر هم در وقوع خشونت جنسی و هم در تجارب بزه‌دیدگان نقش دارند که می‌تواند با تأثیر متقابل عوامل مختلف شخصی، بین فردی و اجتماعی و فرهنگی به پیش بینی خطر بپردازد. همان‌طور که تشریح شد، این رویکرد سطوح مختلفی از نفوذ را ادغام می‌کند که در تناسب با مدل‌های اصلی از جزئیات

بیشتر و دقیق‌تری برخوردار است و شامل میکروسیستم‌ها (محیط‌های بی واسطه)^۱، مزوسystemها (تعامل بین محیط‌ها)^۲، اگزوسystemها (تأثیر غیرمستقیم)^۳، کلان سیستم‌ها (ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی)^۴، و سیستم‌های زمانی^۵ (زمینه تاریخی) است. (Grauerholz, 2000, 5).

تلفیق این سطوح نشان می‌دهد که تحلیل و پیش‌بینی بزه‌دیدگی نیازمند بررسی تمام محیط‌هایی است که بزه‌دیده به طور مستقیم و غیرمستقیم از آن تأثیر می‌پذیرد، به طوری که حضور در محیط یا شرایط خاص می‌تواند فرد را در معرض بزه‌دیدگی قرار دهد و چه بسا افرادی که سابقه بزه‌دیدگی و تروما دارند، بیشتر مستعد بزه‌دیدگی مکرر باشند. از سویی دیگر، هنجارهای موجود در محیط مانند جنسیتی‌سازی‌های آسیب‌زا می‌تواند توانایی فرد در برابر بزه‌دیدگی را کاهش دهد.

در سطح روابط میان فردی نیز پویایی روابط بر میزان آسیب‌پذیری فرد تأثیرگذار است، به عنوان مثال، درگیرشدن فرد در چرخه خشونت خانگی یا روابطی که با دستکاری‌های عاطفی همراه است، فرد به طور ناخواسته در تعیین مرزها و خط قرمزهای آسیب‌زننده دچار مشکل می‌شود و این مشکلات زمینه بزه‌دیدگی را فراهم می‌آورد. همچنین، در سطح جامعه، عواملی چون وجود یا نبود حمایت خانواده، فقدان شبکه‌های حمایتی و پشتیبانی و عدم تخصیص منابع کافی و دسترسی به آن، افراد را بیشتر در معرض تهدیدات احتمالی قرار می‌دهد. در باب تحلیل نگرش‌های اجتماعی نسبت به بزه‌دیدگان مانند مقصر دانستن آنان نیز می‌تواند خطرات خشونت جنسی را تشدید کند. هنجارهای فرهنگی که خشونت علیه گروه‌های خاص را می‌پذیرند یا عادی می‌سازند، محیط‌هایی را ایجاد می‌کنند که احتمال وقوع بزه‌دیدگی بیشتر باشد.

1. microsystems

2. mesosystems

3. exosystems

4. macrosystems

5. chronosystems

در این میان نباید از تأثیرات عوامل غیرمستقیم غافل ماند که اگرچه فرد را مستقیماً درگیر نمی‌کنند اما تأثیرات قابل توجهی بر تجربیات و نتایج آن بر فرد دارد. به عنوان مثال، اثربخشی سیستم‌های حمایت از بزه‌دیدگان جرائم جنسی به طور غیرمستقیم بر میزان گزارش دهی بزه‌دیدگان و تمایل آنان بر کمک گرفتن تأثیر دارد. بدیهی است جوامعی که دارای شبکه‌های حمایتی قوی و اقدامات پیشگیرانه علیه خشونت جنسی هستند، کمتر بزه‌دیدگی را تجربه خواهند کرد. عوامل اجتماعی-فرهنگی گسترده‌تر از عوامل مدل‌های اصلی و سنتی نیز در تحلیل نقش داشته و نشان می‌دهد که تأثیرات کلان سیستم شامل ارزش‌های اجتماعی و روایت‌های فرهنگی پیرامون نقش‌های جنسیتی و پویایی قدرت می‌تواند چرخه‌های خشونت و بزه‌دیدگی را تداوم بخشد.

تلفیق این عوامل و سطوح به درک مکانیسم‌های پنهان منجر به بزه‌دیدگی جنسی کمک کرده و در تعامل با مدل‌های اولیه پیشگیری از بزه‌دیدگی و تکامل آن، اهمیت تلاش‌های اجتماعی و فرهنگی در کاهش بزه‌دیدگی‌های احتمالی و حمایت مؤثرتر از بزه‌دیدگان بالقوه را برجسته‌تر می‌کند.

نتیجه

در بررسی نظریات تلفیقی مشاهده شد که این نظریات در مفاهیم بنیادی، رویکرد تحلیلی و هدف‌نهایی با نظریات دیگر تفاوت دارند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از نظریه‌های پیشین بر روی جنبه‌های خاصی از رفتارهای مجرمانه یا بزه‌دیدگی تمرکز دارند، مانند برخی از نظریه‌های جرم‌شناختی که بیشتر بر روی انگیزه‌های مجرمان و ساختارهای اجتماعی تأکید می‌کنند، اما مدل‌های تلفیقی و یکپارچه، چارچوبی جامع برای درک پیش‌بینی‌کننده‌های چندوجهی بزه‌دیدگی جنسی فراهم می‌کند. این رویکردها با تلفیق دیدگاه‌های زیستی، اجتماعی، محیطی و روان‌شناختی و با بررسی پیش‌بین‌های فردی، رابطه‌ای، اجتماعی و جامعه‌ی باهم، پیچیدگی خشونت جنسی را برجسته می‌کند و بر نیاز به استراتژی‌های پیشگیری چندوجهی که به این تأثیرات به‌هم‌پیوسته مرتبط است، تأکید می‌کند. درک این پویایی‌ها برای توسعه مداخلات مؤثر با هدف کاهش بروز خشونت جنسی و حمایت از بزه‌دیدگان در روند بهبودی آن‌ها ضروری است. نظریات تلفیقی بزه‌دیدگی‌های جنسی نیز با تأکید بر پیشگیری و حمایت از بزه‌دیدگان، بیش از تمرکز بر بزه‌کار و چرایی ارتکاب جرم، به دنبال شناسایی و تحلیل دقیق و چندبعدی عواملی است که منجر به بزه‌دیدگی می‌شوند. متناسب با گزاره‌ها و مفاهیم بنیادین این نظریات، هدف‌نهایی نیز پیشگیری از بزه‌دیدگی جنسی، کاهش تکرار بزه‌دیدگی و تقلیل بزه‌دیدگی‌های نیابتی به‌گونه مؤثرتری است. مبتنی بر این شناخت، تقویت هنجارهای تقبیح خشونت جنسی و ترویج روابط سالم، حمایت از برابری جنسیتی و نهادینه کردن آن از دوران کودکی می‌تواند به‌عنوان راهبرد پیشگیری لحاظ شود. همچنین، آموزش‌های لازم در برخورد با موقعیت‌های مشابه تجاوزهای جنسی و مهارت‌های پیشگیری از خشونت جنسی، خصوصاً در روابط میان شرکای جنسی می‌تواند در کاهش خشونت مؤثر باشد. علاوه بر تمامی موارد فوق، نقش نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط در توانمندسازی دختران، زنان، کودکان و سایر اقشار آسیب‌پذیر انکارناپذیر است. برگزاری کارگاه‌های توانمندسازی، تبیین سیاست‌های بزه‌دیده‌محور، ارائه خدمات لازم قانونی مانند جبران مؤثر و فوری

بزه‌دیدگی، مشاوره‌های حقوقی، در دسترس بودن فرایندهای اجرای عدالت و ایمن‌سازی محیط‌های قانونی از دیگر راهبردهای پیشنهادی است.



فهرست منابع

الف) فارسی

۱. پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی (۱۳۹۹)، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
۲. خدادی، افتخار؛ ابوالقاسم، مریم، بازتوانی بزه‌دیده در پرتو بزه‌دیده شناسی بالینی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۱۷، ۱۳۹۵، ۱۲۷-۱۵۴
۳. دانشنامه بزه‌دیده شناسی و پیشگیری از جرم، جلد دوم، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان و مرکز تحقیقات کاربردی پلیس ناجا، چاپ اول، ۱۳۹۳
۴. شاهپوری، غلامی، مودن زادگان؛ تهمینه، حسین، حسنعلی، شناسایی حق بر توانمندسازی بزه‌دیده؛ مبانی و جلوه‌ها، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۸، شماره ۲۲ - شماره پیاپی ۲۲، اسفند ۱۴۰۰، صفحه ۱۵۵-۱۸۴
۵. وایت، هینز؛ راب، فیونا، جرم و جرم‌شناسی، مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی، کتاب دوم، ترجمه علی سلیمی، چاپ دهم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹

ب) غیرفارسی

6. Alwin DF (2012). Integrating varieties of life course concepts. J Gerontol B Psychol Sci Soc Sci. 2012 Mar;67(2):206-20. doi: 10.1093/geronb/gbr146. Epub 2012 Mar 7. PMID: 22399576; PMCID: PMC3307990 .
7. Azimi, Andia M. (2013), "Adolescent Sexual Victimization: The Role of Social Support and Risky Lifestyle." Thesis, Georgia State University,. doi: <https://doi.org/10.57709/4856983>
8. Carl Rodrigue (2023), Relationship course theory : An interdisciplinary integrative proposition to address the complexification of interpersonal relationships, Journal for the Theory of Social Behaviour, 10.1111/jtsb.12391, 53, 4, (620-641), (2023).
9. Conley AH, Overstreet CM, Hawn SE, Kendler KS, Dick DM, Amstadter AB. (2017) "Prevalence and predictors of sexual assault among a college sample". J Am Coll Health. 2017 Jan;65(1):41-49. Doi: 10.1080/07448481.2016.1235578. Epub 2016 Sep 14. PMID: 27628533; PMCID: PMC5862547.

10. Danaeifar M, Arshi M, Moghanibashi-Mansourieh A(2022). Child sexual abuse in Iran: a systematic review of the prevalence, risk factors, consequences, interventions and laws. J Inj Violence Res. 2022 Jul 30;14(3):225-36. doi: 10.5249/jivr.v14i3.1754. Epub ahead of print. PMID: 35906873; PMCID: PMC9805664.
11. David P. Farrington, Integrated Developmental and Life-course Theories of Offending, Routledge, New York, 2017
12. Dworkin ER, Weaver TL(2021). The impact of sociocultural contexts on mental health following sexual violence: A conceptual model. Psychol Violence. 2021 Sep;11(5):476-487. doi: 10.1037/vio0000350. PMID: 34631201; PMCID: PMC8494265.
13. Dworkin ER, Weaver TL(2021). *The impact of sociocultural contexts on mental health following sexual violence: A conceptual model. Psychol Violence*. 2021 Sep;11(5):476-487. doi: 10.1037/vio0000350. PMID: 34631201; PMCID: PMC8494265.
14. Elliott, D. E. Ageton, S. S. & Canter, R. J. (1979). "An integrated theoretical perspective on delinquent behavior". Journal of Research in Crime and Delinquency, 16, 3-27.
15. Emily A. Waterman Katie M. Edwards(2002), Risk and protective factors for sexual aggression across the ecosystem: An overview, Engaging Boys and Men in Sexual Assault Prevention, ed. Lindsay Orchowski & Alan Berkowitz (Elsevier, 2002), pp. 71-95.
16. Finkelhor, David, Carlos A. Cuevas, Drawbridge, Dara(2016), *Theories, Assessment and Treatment of Sexual Offending*, John Wiley & Sons Singapore Pte. Ltd..
17. Grauerholz L(2000). *An ecological approach to understanding sexual revictimization: linking personal, interpersonal, and sociocultural factors and processes. Child Maltreat*. 2000 Feb;5(1):5-17. doi: 10.1177/1077559500005001002. PMID: 11232063.

18. Guochen Fu et al(2023), *Ecological factors associated with child sexual abuse among 15- to 17-year-old adolescents in mainland China: implications for intervention*, Public Health Education and Promotion Volume 11 - 2023
<https://doi.org/10.3389/fpubh.2023.1169669>
19. Julian D. Ford et al(2008), *Breaking the Cycle of Trauma and Criminal Justice Involvement: The Mothers Overcoming and Managing Stress (MOMS) Study*, U.S. Department of Justice, , pp 1-2
20. Kalra G, Bhugra D(2013). Sexual violence against women : Understanding cross-cultural intersections. *Indian J Psychiatry*. 2013 Jul;55(3):244-9. doi: 10.4103/0019-5545.117139. PMID: 24082244; PMCID: PMC3777345.
21. Konkel RH, Hafemeister AJ, Daigle LE(2021). "*The Effects of Risky Places, Motivated Offenders, and Social Disorganization on Sexual Victimization: A Microgeographic- and Neighborhood-Level Examination*". *J Interpers Violence*. 2021 Sep;36(17-18):8409-8434. doi: 10.1177/0886260519849693. Epub 2019 May 26. PMID: 31130053.
22. Patrick , Lussier, Arjan A. J. Blokland(2015), *Sex Offenders: A Criminal Career Approach*, Edition: 1 Publisher: John Wiley & Sons,
23. Luis C.deBaca(2015), *Etiology of Adult Sexual Offending, Ofce of Sex Offender Sentencing, Monitoring, Apprehending, Registering, and Tracking*, p3, July 2015
24. MacQueen KM, McLellan E, Metzger DS, Kegeles S, Strauss RP, Scotti R, Blanchard L(), Trotter RT 2nd. "*What is community? An evidence-based definition for participatory public health*". *Am J Public Health*. 2001 Dec;91(12):1929-38. doi: 10.2105/ajph.91.12.1929. PMID: 11726368; PMCID: PMC1446907.
25. Malayeri, S. Nater, C. Krahé, B. et al. "*Sexual Aggression among Women and Men in an Iranian Sample*" : Prevalence and Correlates. *Sex Roles* 87, 139-153 (2022).
<https://doi.org/10.1007/s11199-022-01312-2>
26. Maxwell, C.D. Robinson, A.L. & Post, L.A. The Nature and Predictors of Sexual Victimization and Offending Among Adolescents. *Journal of Youth and Adolescence* 32, 465-477 (2003). <https://doi.org/10.1023/A:1025942503285>

27. Mulla MM, Bogen KW, Lopez G, Haikalis M, Meza Lopez RJ, Orchowski LM. "The Effects of Sexual Violence Victimization on Perceived Peer Norms and Social Barriers to Bystander Intervention Among High School Students". J Interpers Violence. 2023 Feb;38(3-4):3421-3444. doi: 10.1177/08862605221108081. Epub 2022 Nov 29. PMID: 36444906; PMCID: PMC10809083.
28. Orchowski LM, Merrill JE, Oesterle DW, Barnett NP, Borsari B, Zlotnick C, Haikalis MP, Bekowitz AD(2023). "Integrated Alcohol Use and Sexual Assault Prevention Program for College Men Who Engage in Heavy Drinking": Randomized Pilot Study. JMIR Form Res. 2023 Nov 23;7:e47354. doi: 10.2196/47354. PMID: 37995129; PMCID: PMC10704318.
29. Potki R, Ziaei T, Faramarzi M, Moosazadeh M, Shahhosseini Z(2017). Bio-psycho-social factors affecting sexual self-concept: A systematic review. Electron Physician. 2017 Sep 25;9(9):5172-5178. doi: 10.19082/5172. PMID: 29038693; PMCID: PMC5633209.
30. Purba AK, Thomson RM, Henery PM, Pearce A, Henderson M, Katikireddi SV(2023): "Social media use and health risk behaviors in young people: systematic review and meta-analysis". BMJ. 2023 Nov 29;383
31. Rayment-McHugh S(2023). "Understanding Concentrations of Sexual Violence and Abuse: A New Theory. Violence Against Women". 2023 Oct;29(12-13):2639-2660. doi: 10.1177/10778012231189481. Epub 2023 Jul 25. PMID: 37491900; PMCID: PMC10580664.
32. Sigurdardottir S, Halldorsdottir S(2021). Persistent Suffering: The Serious Consequences of Sexual Violence against Women and Girls, Their Search for Inner Healing and the Significance of the #MeToo Movement. Int J Environ Res Public Health. 2021 Feb 14;18(4):1849. doi: 10.3390/ijerph18041849. PMID: 33672865; PMCID: PMC7918207.
33. Stepakoff S(1998). "Effects of sexual victimization on suicidal ideation and behavior in U.S. college women. Suicide Life Threat Behav". 1998 Spring;28(1):107-26. PMID: 9560171.

34. Tali Gal(2011), *Child Victims and Restorative Justice; A Needs- Rights Model*, Oxford University Press, USA, p 61
35. Travin, S. Protter, B. (1993). “*Biological Perspectives on Sexual Perversion*. In: *Sexual Perversion*” . Springer, Boston, MA. https://doi.org/10.1007/978-1-4899-1233-6_5
36. Xu Y, Olfson M, Villegas L, Okuda M, Wang S, Liu SM, Blanco C. A characterization of adult victims of sexual violence: results from the national epidemiological survey for alcohol and related conditions. *Psychiatry*. 2013 Fall;76(3):223-40. doi: 10.1521/psyc.2013.76.3.223. PMID: 23965262.

